

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تعلیم و تربیت

و مدرسه

دوره، هشتم، شماره نهم

نام جزوه: تعلیم و تربیت و مدرسه
نویسنده: هیأت تحریریه موسسه در راه حق
ناشر: موسسه در راه حق
نوبت چاپ: مکرر
تاریخ چاپ: ۱۳۹۷ هـ ش
چاپخانه: سلمان فارسی
نشانی: قم، خیابان آیت الله مرعشی نجفی (ارم)
کوچه ۲۰ - پلاک ۱۰ - موسسه در راه حق
تلفن: ۲-۳۷۷۴۳۲۲۱ (۰۲۵)

www.darrahehaq.com

سامانه پاسخگویی پیامکی: ۱۰۰۰۲۲۲۳۳۳

رایگان

فهرست مطالب

تعریف مدرسه.....	۵
رسالت و مسؤولیت معلّم در محیط مدرسه.....	۱۰
مسؤولیت معلّم در برابر دانش آموز.....	۱۸
نقش خانواده در مدرسه.....	۴۶
نقش مدرسه در خانواده.....	۵۱
هماهنگی بین مدرسه و خانواده.....	۵۷

تعریف مدرسه

مدرسه، آموزشگاهی است که کودکان در سنین معین برای تربیت و آموختن علم و دانش قدم به آن می‌گذارند. آنچه از معنای لغوی «مدرسه» استفاده می‌شود این است که هر مکان آموزشی را می‌تواند شامل شود؛ مکان آموزشی که سعادت انسان را مورد نظر داشته باشد و یا مکانی که انسان را به شقاوت بکشانند.

محیط آموزشی خاصاً هر جامعه را باید در هدف آن جامعه از تعلیم و تربیت و نیز در دیدی که نسبت به

انسان دارد جستجو کرد. بعضی از جوامع، توجهی ندارند به این که انسان چه می خواهد، بلکه او را به گونه ای تربیت می کنند و می سازند که منظور و هدفشان تأمین شود؛ خواه آن انسان را از مرتبه وجودی اش تنزل دهند و مسخ کنند، یا او را به جانب کمال سوق دهند. به عبارت دیگر، به انسان نگاه ابزاری دارند؛ به این معنا که در تعلیم و تربیت، رشد حقیقت انسان مورد نظر آنها نیست؛ به صلاح و سعادت او توجه ندارند؛ بلکه او را وسیله و ابزاری برای رسیدن به هدفهای پست و مادی می دانند.

اما در نظام الهی، در تعلیم و تربیت، خود انسان مورد توجه است؛ یعنی مقصودی جدا از به فعلیت رساندن استعدادهای درونی و اعتدال قوا و غرایز او ندارند،

دوره هشتم، شماره نهم / ۷

حتی هدفی که برای تعلیم و تربیت در نظر گرفته اند، چیزی است که فطرت انسان خواهان آن است. در این نظام، صلاح و سعادت انسان مورد توجه بوده و تلاش در جهت به کمال رساندن حقیقت انسانی می‌باشد.

محیط آموزشی مورد نظر ما محیطی است که به پرورش استعداد های مادی و معنوی پرداخته، او را به سعادت و خوشبختی برساند و از او موجودی مستقل بسازد که در تمام عمرش بازدهی او به نفع جامعه باشد؛ و با ساختن چنین افرادی، جامعه ای از هر نظر (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، اعتقادی و...) مستقل به وجود آورد.

پیدایش چنین محیطی تنها در نظام توحیدی اسلام امکان پذیر است و بطور قطع می توان گفت که اسلام در ایجاد چنین محیطی، منحصر به فرد است؛ زیرا احکام آن با توجه به نیازهای روانی و جسمی انسان صادر شده است. و هیچ حکم و قانونی را بر او عرضه نکرده است جز آن که روح و جسمش ظرفیت پذیرش آن را داشته است و همه اینها در راستای رساندن انسان به کمال عالی وجودی اش - که مقام قرب الهی است - می باشد.

به هر حال، نمی توان هر آموزشگاهی را دارای تعلیم و تربیت مثبت دانست؛ تعلیم و تربیت مثبت محیط آموزشی بسته به این است که به سعادت و کمال

دوره هشتم، شماره نهم / ۹

معنوی انسان توجّه داشته باشد و به انسان به عنوان «انسان» بنگرد؛ نه به عنوان ابزار و وسیله.

مدرسه‌ای که هدف الهی دارد و در تعلیم و تعلّم، کمال معنوی و الهی انسان را هم می‌خواهد، محیطی مقدّس و پاک محسوب می‌شود؛ لذا افراد متعلّم و معلّم باید نهایت احترام را به آن محیط بگذارند و حتّی بدون وضو به آن وارد نشوند.

در این جا توصیه این مطلب بجاست که خانواده‌ها به فرزندان خویش از سن شش سالگی که پا به محیط مدرسه می‌گذارند، سفارش کنند که قبل از رفتن به مدرسه وضو بگیرند که هم مقدمه ارزش دادن به علم و محیط علم است و هم مقدمه لازمی است برای تربیت معنوی و روحی آنها.

بر آموزگاران، مربیان و اساتید است که خود، نهایت احترام را به محیط مدرسه بگذارند و از گفتار و اعمالی که در شأن معلّم و محیط آموزشی نیست جداً پرهیز نمایند.

رسالت و مسؤولیت معلّم در محیط مدرسه

معلّم، کسی است که رکن اصلی مدرسه را تشکیل می دهد و تمام امور مدرسه بر بودن او می چرخد. اگر معلّم نبود، مدرسه به وجود نمی آمد و متعلّمی یافت نمی شد؛ هیچ گاه ظلمت جهل به نور علم مبدّل نمی گشت؛ انسانها حقیقت را نمی یافتند و از کمال انسانی خویش باز می ماندند. خداوند متعال آن هنگام که انسان را آفرید، زمین را مدرسه او قرار داد و خود، معلّم او شد تا با تعلیم به درجه ای برسد که

دوره هشتم، شماره نهم / ۱۱

خداوند او را به جانشینی خویش برگزیند و معلّم دیگران قرار بدهد؛ «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا...»^۱.

خداوند همه اسمها را به آدم آموخت و پس از آن آدم (علیه السلام) معلّم ملائکه شد و آنچه را خداوند به او تعلیم داد، به فرشتگان آموخت؛ «قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ»^۲؛ فرمود: ای آدم خبر ده آنان را به اسماء آنها.

خداوند در سوره الرَّحْمَنِ می فرماید:

۱ . سوره بقره، آیه ۳۱.

۲ . سوره بقره، آیه ۳۳.

«الرَّحْمَنَ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»^۱؛
خداوند رحمان، قرآن را تعلیم داد؛ انسان را آفرید و
به او سخن گفتن آموخت.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) به اذن
خداوند متعال، معلّم بشر شد، تا آنچه خدا به او
آموخته به مردم بیاموزد و آنان را از حسیض جهل به
اوج علم و عزّت برساند، «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ
الْحِكْمَةَ»^۲.

به همین جهت، اشخاصی که دانش می آموزند و به
دیگران تعلیم می دهند، نزدیکترین افراد به پیامبران

۱. سوره الرحمن، آیات ۳ - ۲ - ۱.

۲. سوره جمعه، آیه ۲.

دوره هشتم، شماره نهم / ۱۳

الهی هستند؛ چنان که رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«أَقْرَبُ النَّاسِ مِنْ دَرَجَةِ النَّبُوَّةِ أَهْلُ الْعِلْمِ وَالْجِهَادِ، أَمَّا أَهْلُ الْعِلْمِ فَدَلُّوا النَّاسَ عَلَى مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ!»؛

نزدیک ترین افراد به درجه نبوت، اهل علم و جهاد هستند که مردم را بر آنچه رسولان الهی آورده اند، دلالت و راهنمایی می کنند.

با توجه به آنچه بیان شد، متوجه می شویم که معلم، رسالتی عظیم بر دوش دارد؛ رسالتی که خداوند متعال به عهده پیامبران خویش گذاشت و اکنون آن را آموزگاران و مربیان در تمام سطوح تحصیلی بر دوش دارند. کوتاهی و لغزش در این امر بزرگ، خیانت به

نونهالان اجتماع و در نهایت به جامعه و مکتب خواهد بود.

قرآن مجید در مورد این رسالت می فرماید:

«وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ»؛^۱ وقتی خداوند از آنان که کتاب به آنها داده شده پیمان گرفت که حتماً کتاب آسمانی را برای مردم بیان کنید و آن را کتمان نکنید، آنها عهد و پیمان خویش را پشت سر انداختند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «مَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقًا مِنْ أَهْلِ الْجَهْلِ بِطَلَبِ تَبْيَانِ الْعِلْمِ حَتَّى أَخَذَ مِيثَاقًا مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ بِبَيَانِ الْعِلْمِ لِلْجُهَّالِ لِأَنَّ الْعِلْمَ

دوره هشتم، شماره نهم / ۱۵

قَبْلَ الْجَهْلِ^۱؛ خداوند متعال از جاهلان برای آموختن علم پیمان نگرفت، تا آن که از اهل دانش پیمان گرفت که علم را برای نادانان بیان کنند؛ زیرا علم پیش از جهل است.

معلمی که علمش را کتمان نماید، از آن جا که رسالت الهی خویش را سبک شمرده و پیمان الهی را نقض کرده، مورد لعن قرار گرفته است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ: «إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ أَنْتَنُ أَهْلِ الْقِيَامَةِ رِيحًا تَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ حَتَّى دَوَابُّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ»^۲.

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۳، طبع تهران.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۷۲، طبع تهران.

امام صادق (علیه السلام) از پدراناش (علیهم السلام) چنین نقل فرمود: همانا عالمی که کتمان کننده علمش باشد، بدبو و متعفن ترین اهل قیامت است که برانگیخته می شود، هر جنبنده ای حتی جنبندگان کوچک زمین او را لعنت می کنند. بر عکس، معلمی که علمش را نشر دهد و به پیمان الهی عمل نماید، بهترین افراد جامعه خویش است.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود:

«أَلَا أُخْبِرُكُمْ عَنِ الْأَجُودِ الْأَجُودِ؟ اللَّهُ الْأَجُودُ الْأَجُودُ، وَ
أَنَا أَجُودٌ وَكَدِ أَدَمَ وَأَجُودُكُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلَّمَ عِلْمًا
فَنَشَرَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَحَدَهُ»^۱.

دوره هشتم، شماره نهم / ۱۷

آیا به شما خبر ندهم چه کسی سخی تر است؟
خداوند سخی تر است. و من سخی ترین فرزندان
آدم(علیه السلام) هستم و سخی ترین کس بعد از من،
مردی است که دانشی را بیاموزد و آن را نشر دهد؛
روز قیامت، امت واحده برانگیخته می شود.

معلم حقیقی، معلمی است که به خیر دعوت می کند
و علوم مورد نیاز جامعه را به کودکان و نوجوانان و
جوانان می آموزد و هدفی جز قرب الهی ندارد و
قصد ندارد که آن را در راه هواهای نفسانی و مباحثات
کردن بر دیگران به کار برد.

امام باقر(علیه السلام) در ستایش از چنین معلمی، به
نقل از جدّ بزرگوارش حضرت رسول(صلی الله علیه
وآله) فرمود:

إِنَّ مُعَلِّمَ الْخَيْرِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ دَوَابُّ الْأَرْضِ وَ حِيَتَانُ
الْبَحْرِ وَ كُلُّ ذِي رُوحٍ فِي الْهَوَاءِ، وَ جَمِيعُ أَهْلِ
السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ^۱؛ جنبندگان زمین، ماهیان دریا و
هر صاحب روحی در هوا، و تمام اهل آسمان و زمین
برای معلم خوب استغفار می کنند.

مسئولیت معلم در برابر دانش آموز

معلم و آموزگار باید بداند: در قبال فرزندان معصوم و
بی گناه مردم که به دست او سپرده می شوند، چه
مسئولیت عظیمی دارد، و چگونه باید مواظب رفتار
و گفتار خود باشد؛ او باید دانش آموزان را چون
فرزندان خویش بداند و با آنها مهربانی نموده و
شخصیت آنها را حفظ نماید.

دوره هشتم، شماره نهم / ۱۹

در این جا نکاتی چند در رابطه با مسؤولیت معلم بیان می داریم:

۱. معلم باید خوش اخلاق بوده و نهایت حلم و بردباری را در کلاس درس داشته باشد. به عبارت دیگر، از خویی نرم و متواضعانه برخوردار باشد تا این صفت عالی انسانی به دانش آموز منتقل شده و در آینده با حالت تواضع به مردم خدمت نماید.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود: «تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ»؛ متواضع باشید نسبت به کسی که به او دانش می آموزید.

۲. آنچه می داند، در بیان آن بخل نورزد و ذهن کودک را نسبت به مطلبی که عنوان کرده است

مغشوش نگرداند و چنانچه در خلال درس به نکته ای رسید که آن را نمی داند؛ بدون هیچ واهمه ای اقرار کند که نمی داند، یا بگوید: این مطلب را بعداً با دقت بیشتری توضیح خواهیم داد.

علی (علیه السلام) فرمود: «إِذَا سُئِلْتُمْ عَمَّا لَا تَعْلَمُونَ فَاهْرَبُوا؛ قَالُوا كَيْفَ الْهَرْبُ؟ قَالَ: تَقُولُونَ اللَّهُ أَعْلَمُ!»؛ هنگامی که از چیزی سؤال شدید که نمی دانید، از سؤال بگریزید، عرض کردند: راه گریز چیست؟ فرمود بگویید: خدا داناتر است.

۳. وظیفه معلم است که در پرورش استعدادهای کودک بکوشد؛ قوایش را در جهت مثبت هدایت کند؛ او را از ذهنی فعال برخوردار گرداند؛ به اندازه

دوره هشتم، شماره نهم / ۲۱

فهم دانش آموز سخن بگویند تا ذهن متعلم قدرت پذیرش آن را داشته باشد.

۴. وظیفه معلم آن نیست که فقط مطالبی را به ذهن کودک القا کند و به همان اندازه اکتفا نماید. این تعلیم واقعی نیست، بلکه تعلیم عمیق و حقیقی آن است که به متعلم رشد عقلی بدهد، به گونه ای که آثار جهل را از او دور نماید، چنانکه در تعریف تعلیم بیان داشتیم.

معلمی که وارد کلاس می شود و منتظر است که وقت بگذرد و در صدد بیان و روشن کردن حقیقت آنچه مطرح کرده نباشد، خیانتی عظیم در حق دانش آموز معصوم مرتکب شده است. معلم، مسؤول است که نهایت توجه را به سؤالهای دانش آموز داشته باشد

و با خون سردی و متانت به آنها پاسخ بگویید؛ و از سخنانی که باعث لطمه زدن به شخصیت او باشد پرهیز نماید و متوجه باشد که بی اعتنا بودن به سؤالهای او و پاسخ ندادن به آنها ضربه بزرگی به رشد عقلی او وارد می آورد.

۵. در درس دادن خلوص نیت داشته باشد؛ برای خدا درس بگوید و با درس دادنش تقرب به خدا بجوید، و متعلم را نیز به یاد پروردگار علم و دانش بیندازد و در کنار علم؛ اخلاق، بردباری و وقار را به متعلم تعلیم دهد. از دانش آموز نوجوان و جوان بخواهد که علمی همراه با تزکیه نفس بیاموزند تا برای جامعه و خودشان سودمند بوده، چراغ راه باشند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود: «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ

دوره هشتم، شماره نهم / ۲۳

تَعَلَّمُوا لِلْعِلْمِ السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ؛^۱ علم و دانش را
بیاموزید و برای (نگهداری حرمت و مقام) علم،
آرامش و وقار را بیاموزید.

۶. معلّم باید به دانش آموز بفهماند که علوم تجربی،
فلسفی، اعتقادی، سیاسی، فرهنگی و... آن گاه از
ارزش مثبت برخوردارند که در خدمت خداشناسی و
قرب الهی باشند. اگر هدف علوم، مطاع دنیوی باشد
دارای ارزش منفی و اگر در جهت عبادت، ستایش و
قرب الهی قرار گیرد از ارزش مثبت اخلاقی
برخوردار خواهند بود.

رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «مَنْ تَعَلَّمَ
عِلْمًا لغيرِ اللَّهِ أَوْ أَرَادَ بِهِ غَيْرَ اللَّهِ فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنْ

۱. التّرجیب و التّرهیب، ج ۱، ص ۹۰، حدیث ۱۷۲.

النَّارِ؛ کسی که علم را برای غیر خدا اراده کند، نشیمن جای او [در قیامت] پر از آتش می گردد.

و نیز فرمود: «إِذَا أَتَى عَلَيَّ يَوْمٌ لَا أَرْدَادُ فِيهِ عِلْمًا يُقَرَّبُنِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَلَا بُورِكَ لِي فِي طُلُوعِ الشَّمْسِ ذَلِكَ الْيَوْمِ»؛^۲ اگر روزی بر من بیاید که در آن روز علمی زیاد نکنم - که مرا به خداوند نزدیک کند - طلوع آفتاب آن روز بر من مبارک مباد.

بنابراین، وظیفه مهمّ مربّیان است که دانش آموز را متوجّه ایمان به خدا کرده و بذر خشیت الهی را در

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۳۸، طبع تهران؛ التّرغیب و التّرهیب، ج ۱، ص ۹۳، روایت ۱۸۱.

۲. نهج الفصاحة، ص ۲۳، حدیث ۱۲۶.

دوره هشتم، شماره نهم / ۲۵

قلب او بپاشند و او را بین خوف و رجای الهی قرار دهند؛ چنانکه امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«الْخَشْيَةُ مِيرَاثُ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ شُعَاعُ الْمَعْرِفَةِ وَقَلْبُ الْإِيمَانِ وَمَنْ حَرَّمَ الْخَشْيَةَ لَا يَكُونُ عَالِمًا وَإِنْ شَقَّ الشَّعْرَ فِي مُتَشَابِهَاتٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ»^۱؛ میراث علم، ترس از خداست و علم، قلب ایمان^۲ و نوری است که بدان معرفت خدا حاصل می شود. و کسی که از خشیت الهی محروم شد عالم نیست، هر چند در متشابهات علم موشکاف و باریک بین باشد؛ خدای متعال فرمود: از بندگان خدا فقط دانایان هستند که از خدا می ترسند.

۱. بحارالانوار، ج ۲، ص ۵۲، روایت ۱۸، طبع تهران.

۲. کنایه از اینکه علم، اشرف اجزای ایمان است.

۷. از نکات مهمّ تربیت - که باید در مدرسه رعایت شود - این است که مرّیان و آموزگاران باید طرز معاشرت و مصاحبت را به کودکان و نوجوانان بیاموزند، بدین گونه که با چه کسی دوستی و معاشرت داشته باشند، و از چه اشخاصی دوری کنند؟ در چه مجالسی شرکت نمایند؟ و از رفتن به چه مکانهایی بدور باشند؟ زیرا ارتباط و برخورد با دیگران تأثیر زیادی در روح و روان می گذارد؛ و دانش آموز در اثر معاشرت است که جانی و بزهکار می شود، و یا صالح می گردد. امام صادق(علیه السلام) فرمود:

دوره هشتم، شماره نهم / ۲۷

«مَنْ لَمْ يَجْتَنِبْ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ أَوْشَكَ أَنْ يَتَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِهِ»؛^۱ کسی که از رفاقت با احمق دوری نجست، در معرض آن است که به اخلاق او متخلّق شود. پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) به ابن مسعود فرمود:

«يَا بْنَ مَسْعُودٍ! فَلْيَكُنْ جُلَسَائِكَ الْإِبْرَارُ وَ إِيْخْوَانِكَ الْأَتْقِيَاءُ وَ الزُّهَادُ لِأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَالَ فِي كِتَابِهِ: «الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ»^۲؛^۳ ای پسر مسعود! همنشینان تو باید نیکان، و برادران تو پرهیزکاران و زاهدان باشند؛ زیرا خداوند متعال در

۱. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶۵، روایت ۲.

۲. سوره زخرف، آیه ۶۷.

۳. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۰۰، طبع تهران.

کتابش فرمود: در قیامت، دوستان در دنیا بعضشان با بعض دیگر دشمنند مگر مردم با تقوا.

از مجموع آنچه بیان شد چنین بدست می آید که دانش آموز، امانتی است در دست معلّم که باید به بهترین روش از او نگهداری شود.

وظیفه دانش آموز در برابر معلّم، مکتب و جامعه در این جا، روی سخن با دانش آموز عزیز است که باید موقعیت خود را درک کند؛ به گذشته، حال و آینده خویش بنگرد تا بتواند خود را برای خدمت به مکتب و جامعه آماده سازد. دانش آموز اگر به گذشته خود فکر کند، پی می برد که روزی طفلی ضعیف در دامن مادر بود و قدرت تکلم و راه رفتن نداشت تا این که مادر با تلاش و رنج خویش او را بزرگ نمود

دوره هشتم، شماره نهم / ۲۹

و به او سخن گفتن و راه رفتن آموخت، و از بسیاری حوادث نجاتش داد و مواظبتش کرد، به همین جهت بچه، در برابر پدر و مادر مسؤول است و چنانچه به حال خویش بنگرد، متوجه می گردد که الان بازدهی برای اجتماعش ندارد، جز این که مصرف می کند. پدر و مادر، لباس و کفش و لوازم تحصیل او را تهیه می کنند و به مدرسه می فرستند؛ مدرسه ای که اجتماع برای او ساخته و رفع احتیاجات و نیز پرداخت حقوق معلم و مستخدم و کارکنان آن بر عهده دولت است تا او به راحتی بتواند علم مورد نیاز جامعه را بیاموزد.

دانش آموز با توجه به این موارد می فهمد که در برابر دولت و جامعه مسؤول است. بنابراین، باید به

آینده ای فکر کند که توانایی آن را داشته باشد تا به مسؤولیت خطیری که بر دوش دارد عمل نموده و فردی مفید و سالم برای جامعه و اسلام باشد. در این جا نکاتی چند راجع به وظایف دانش آموزان بیان می داریم:

۱. دانش آموز عزیز! مسؤولیتی که هم اکنون بر عهده تو نهاده شده و باید آن را به نحو شایسته به انجام رسانی تا در آینده انسانی موفق در امور فردی، اجتماعی و مکتبی خویش باشی - درس خواندن، دقت در گوش دادن و فهم آن است و بدان که تنبلی و کسالت، ضربه بزرگی است که تو را از درک لذت علم و دانش محروم می کند. زندگی سالم، خوب و لذت بخش در پرتو علم و دانش میسر است؛ علم،

دوره هشتم، شماره نهم / ۳۱

مردم را در برابر تو متواضع می گرداند، تا نیازمندیهای آنان را در رشته ای که تحصیل می کنی و متخصص آن رشته خواهی شد برطرف سازی. علم و دانش در عین حال که به تو وقار و عظمت می بخشد، به تو تأمین زندگی می دهد. پس، این فرصتی که برای تو در تعلّم پیش آمده، غنیمت بشمار که پشیمانی، به تو فایده ای نخواهد بخشید و جز کدورت باقی نخواهد گذاشت.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً»؛^۱ پیش از آن که اندوه و ناراحتی به شما روی آورد، در فرصت شتاب کنید (کنایه از این که وقت را مغتنم بشمارید).

و نیز فرمود: «مَنْ نَاهَزَ الْفُرْصَةَ أَمِنَ الْعُصَّةَ»؛ از اندوه در امان است کسی که فرصت را مغتنم شمرد.

از دست دادن فرصت، سبب ضایع شدن عمر است؛ به جای درس خواندن، به تفریح و بازی پرداختن، به سرمایه زندگی زیان رساندن است. البته دانش آموز، به تفریح و بازی احتیاج دارد، اما نه تفریح و بازی مداوم که اوقات درس را اشغال کند.

محصلین عزیز! در هر سطحی که هستید، برای بهره‌وری بیشتر از علم، درباره آن خوب دقت کنید و مسائل آن را عمیقاً درک کرده و بفهمید.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ أَكْثَرَ الْفِكْرَ فِيمَا تَعَلَّمَ اتَّقَنَ عِلْمَهُ وَ فَهِمَ مَا لَمْ يَكُنْ يَفْهَمُ»؛

دوره هشتم، شماره نهم / ۳۳

کسی که بسیار فکر کند در آنچه فرا گرفته، علمش را محکم نموده و پی می برد به چیزی که فهمیده است. و برای این که به حدّ تخصّص برسید، پشتکار و اصرار بر تعلّم و تفکّر داشته باشید. کسی که مدّتی درس بخواند، ولی در مدّت زمانی دیگر از آن غافل شود و به درسش ادامه ندهد، به طور کامل از علم بهره ای نخواهد گرفت و به حدّ تخصّص نخواهد رسید. حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «لَا فِقْهَ لِمَنْ لَا يُدِيمُ الدَّرْسَ»^۲؛ کسی که دوام بر درس ندارد، فقه و فهم درستی ندارد.

۱. شرح فارسی غرر، ج ۵، ص ۳۹۷، ش ۸۹۱۷.

۲. شرح فارسی غرر، ج ۶، ص ۳۶۵.

۲. وظیفه بالاتر از درس خواندن این است که بدانی برای چه درس می خوانی؟ از ابتدا درس را برای خوشبختی آینده خود و جامعه خود بخوانی. هم اینک جامعه تو محتاج و نیازمند به تلاش درسی توست که بتوانی در آینده، در رشد صنایع و کشاورزی و مسائل دیگر اقتصادی و مسائل فرهنگی بکوشی؛ تا در پرتو فعالیت های اجتماعی، زندگی شخصی تو نیز بخوبی اداره شود. تو با رنج علمی ات می توانی چند کار مهم انجام دهی و آن این است که هم آبروی جامعه خود را حفظ کنی و هم به زندگی خصوصی خود آبرو دهی. و مهم تر این است که اگر بخواهی به علم خودت ارزش انسانی بدهی و آن را به نفع خود و اجتماع استخدام کنی؛ باید در کنار

دوره هشتم، شماره نهم / ۳۵

علم، ادب بیاموزی و از آموختن علم، هدف انسانی داشته باشی. که حضرت علی (علیه السلام) فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ»^۱؛ بر شما باد که علم و ادب را بیاموزید.

چنانچه علم را صرفاً برای بهره دنیوی بیاموزی، اگر چه به آن می رسی؛ اما بهتر است که نصیب اخروی آن را نیز فراموش نکنی و این هنگامی ممکن است که به وسیله دانشت، دست به مکر و حيله نزنی و به اجتماع خیانت ننمایی. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود: «مَنْ أَخَذَ الْعِلْمَ مِنْ أَهْلِهِ وَعَمِلَ بِهِ نَجَا وَمَنْ أَرَادَ بِهِ الدُّنْيَا فَهُوَ حَظُّهُ»^۲؛ کسی که

۱. شرح ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۳۳۲، ش ۸۱۴.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۴، روایت ۳۱، طبع تهران.

دانش را از اهلش گرفت و بدان عمل نمود نجات یافت. و کسی که از علمش دنیا را خواستار شد، همان دنیا بهره اوست.

از آن جا که هدف اعلاّی تعلیم و تربیت، قرب و نزدیکی به خداوند متعال است به شما دانش آموزان عزیز در هر سطحی که هستید، توصیه می شود: در فراگیری و آموختن، خشنودی خدا را در نظر داشته باشید.

۳. از دیگر وظایف دانش آموز این است که دوست خوب انتخاب کرده و همنشینانی سالم و با اخلاق داشته باشد. دوستانی که از هر جهت خوب بوده و مصاحب و رفیق درستکاری باشند، می توانند نقش مهمّی در مثبت بودن زندگی انسان داشته باشند؛ فرد

دوره هشتم، شماره نهم / ۳۷

کسل و تنبل، رفیقش را به تنبلی دعوت می کند، در صورتی که افراد فعّال، درس خوان و مؤدّب، دوستانشان را به کار و تلاش وادار می کنند.

قرآن درباره همنشینی افراد صالح می فرماید:

«وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ»^۱؛ خویشتن را با نهایت شکیبایی به مصاحبت و محبت آنان که پروردگارشان را صبح و شام می خوانند و رضای او را می طلبند، وادار کن.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «صُحْبَةُ الْوَلِيِّ اللَّيْبِ حَيَاةُ الرُّوحِ»^۲؛ رفیق شدن با دوست عاقل،

۱. سوره کهف، آیه ۲۸.

۲. شرح فارسی غرر، ج ۴، ص ۲۰۶.

حیات روح است. همچنین قرآن از پشیمانی کسانی که در دنیا دوستانی بد برگزیدند، یاد می‌کند؛ آن‌جا که می‌فرماید:

«يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا»؛^۱ وای بر من! ای کاش فلانی را به دوستی نمی‌گرفتم [که رفاقت او] مرا گمراه کرد و از پیروی قرآن محروم ساخت، بعد از آن که دستورات قرآن به من رسید.

آری! دوستی شیطان برای انسان مایه خذلان و گمراهی است. اگر دانش‌آموز بخواهد دوست خوبی

دوره هشتم، شماره نهم / ۳۹

برای دیگران باشد، باید نفس خویش را به صفات انسانی مزین گرداند.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «مَنْ لَمْ يُحْسِنْ خُلُقَهُ لَمْ يَنْتَفِعْ بِهِ قَرِينَهُ»؛ کسی که اخلاقش را نیکو نگرداند، همنشین و دوستش از او سودی نبرد.

با توجه به نکات مزبور روشن می شود که باید در انتخاب دوست نهایت دقت را اعمال نمود؛ با هر کس نباید مصاحبت و رفیق شد، و قبل از امتحان افراد نباید آنها را دوست جدی گرفت و به آنها مطمئن شد.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «لَا تَتَّقُ بِالصَّدِيقِ قَبْلَ الْخُبْرَةِ»؛ قبل از امتحان، به دوستی کسی اطمینان نداشته باش.

۴. دانش آموز وظیفه دارد به مدرسه و معلم احترام گذاشته و در هنگام سخن گفتن معلم، گوش فرا داده و در کلاس سکوت را رعایت نماید. تا از او سؤال نشده، لب به کلام باز نکند. و در هنگام صحبت با معلم، متین و با وقار سخن بگوید.

امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: «وَأَمَّا حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ فَالتَّعْظِيمُ لَهُ وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ وَحُسْنُ الإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ...»؛ اما حق پدر علمی و استاد تو تعظیم او و احترام به مجلس اوست که خوب گوش

دوره هشتم، شماره نهم / ۴۱

کنی... و فهم و هوش خودت را برایش حاضر و آماده کنی و قلبت را برای او پاک نمایی و با ترک لذات و صرف نظر از خواسته های نفسانی چشمت را برای او آشکار و روشن سازی (کنایه از این که چشم به او بیاندازی و به سخنانش گوش فرا دهی) و در آنچه به تو می آموزد، براستی رسول او باشی که آن را به نادانان برسانی و این رسالت را بخوبی ادا کنی و در ادایش خیانت نورزی. نیز از جانب او به آن رسالت قیام کنی تا هنگامی که عهده دار آن هستی

«وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»!

۵. از مسائلی که دانش آموز در هر سطح باید بدان توجه داشته باشد، مسأله کتابت و نوشتن مطالب بیان

شده از سوی معلّم، و نیز نوشتن خلاصه و چکیده کتبی است که مطالعه می کند، تا بتواند در موارد لزوم از آنها بهره مند شود. چه بسا با گذشت زمان، مطالب یادداشت نشده فراموش شده و موجب نقص در دانش شخص تحصیل کرده می گردد.

از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) روایت است که فرمود:

«قِيدُوا الْعِلْمَ؛ قِيلَ: وَ مَا تَقْيِيدُهُ؟ قَالَ: كِتَابَتُهُ»؛ دانش را ببندید؛ گفته شد: بستن آن چگونه است؟ فرمود: نوشتن و یادداشت نمودن آن.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرزندان و برادران خود را جمع کرد و فرمود:

دوره هشتم، شماره نهم / ۴۳

«إِنَّكُمْ صِغَارُ قَوْمٍ وَ يَوْشِكُ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ قَوْمٍ
آخِرِينَ فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ أَنْ
يَحْفَظَهُ فَلْيَكْتُبْهُ وَلْيَضَعْهُ فِي بَيْتِهِ»^۱؛ همانا شما کودکان
این جامعه هستید و امید است در آینده، بزرگان
جامعه باشید. پس به تعلیم دانش پردازید و چنانچه
حافظه قوی ندارید، مطالب را بنویسند و آنها را در
منزل نگاهداری نمایید(تا در موقع لزوم به آنها
مراجعه کنید) و کتابت دروس برای این است که
همیشه محفوظ بماند.

حضرت امام صادق(علیه السلام) فرمود:

اُكْتُبُوا، فَإِنَّكُمْ لَا تَحْفَظُونَ إِلَّا بِالْكِتَابِ»^۱؛ بنویسید؛ زیرا شما توان نگهداری دانش را ندارید مگر با نوشتن.

۶. روش مطالعه نیز از مسائلی است که دانش آموز برای پیشرفت در دانش ناچار از آن است. کیفیت مطالعه، تنوع در مطالعه، انتخاب بهترین ساعات برای مطالعه و آرامش روحی در مطالعه از مسائلی هستند که متعلم باید بدان آگاه باشد. و این وظیفه معلم است که روش مطالعه را به آنها بیاموزد.

۷. دانش آموز باید به مردمی که در کوچه و بازار مشغول کار و فعالیت هستند احترام بگذارد و سلام به آنها را فراموش نکند. او باید بداند که با تلاش

دوره هشتم، شماره نهم / ۴۵

دیگران است که قادر به درس خواندن می باشد. اگر کشاورز، گندم به عمل نیاورد؛ آسیابان آرد نکند و نانوا آن را نپزد؛ و اگر صنعتگر وسیله حمل و نقل آن را تهیه ننماید... نه مدرسه ای ساخته می شود و نه معلمی می تواند در مدرسه حاضر شود، و نه دانش آموزی وجود خواهد داشت. بنابراین، مردم در جامعه خدمتگزارند و باید به آنها احترام گذاشت. امروز که یک دانش آموز هستی باید با سلام کردنت به آنان احترام کنی و فردا که از مردان فعال اجتماع گشتی با خدمت به اجتماع، دین خود را به مردم ادا نمایی. تا دانش آموزی، مصرف کننده ای؛ اما باید بکوشی که بازدهی داشته باشی.

بر عهده مسئولین مدرسه است که متعلمین عزیز را به وظایف مزبور آشنا کنند و از آنان افرادی مؤمن، خدمتگزار و فداکار برای آینده اجتماع بسازند.

نقش خانواده در مدرسه

این مطلب مسلم است که تربیت صحیح - و یا نادرست در خانواده - در کندی و رشد تربیت در مدرسه بسیار مؤثر است. کودکی که از بدو تولد، برنامه تربیتی صحیح اسلامی درباره او رعایت شده و در خانواده ای آرام و دور از جنگ و جدال و خشم و غضب و... رشد کرده و از محبت کافی پدر و مادر برخوردار گشته است؛ سخنان معلم زودتر در او تأثیر خواهد گذاشت و به مسؤولیت خود در برابر مدرسه و اجتماع و مکتب زودتر پی خواهد برد. چنین فردی

دوره هشتم، شماره نهم / ۴۷

چون عادت کرده منظم باشد، و بر اساس برنامه عمل نماید، برنامه مدرسه چندان برایش مشکل نخواهد بود و رعایت انضباط - که یکی از مسائل مهم اخلاقی در مدرسه به شمار می آید - برای او آسان است. به عبارت دیگر، از برنامه مدرسه پیروی کامل کرده و می داند که چرا به آن عمل می کند.

کودکی که از مرئیان آموخته است که «بی ادبی سرمنشأ هر شرّ و بدی است»؛ در مدرسه وظیفه خود را می داند که از بی ادبی پرهیزد؛ اما بر عکس، کودکانی که در خانه تربیت صحیح نیاموخته اند و در دامن پدران و مادران ناآگاه به مسائل تربیتی، پرورش

۱. عَدَمُ الْأَدَبِ سَبَبُ كُلِّ شَرٍّ؛ شرح نهج البلاغه،

یافته اند، و در خانه جز اوقات تلخ و خشم و غضب چیزی ندیده و با قلبی پر از عقده وارد مدرسه می شوند، تربیت آنها بسیار مشکل به نظر می رسد. این اشخاص چون بی نظم و انضباط بار آمده اند، مدرسه را زندانی بزرگ برای خود می دانند و به معلّم جز به عنوان یک زندانبان نگاه نمی کنند. برای آنها بسیار سخت است تن به برنامه مدرسه بدهند و از آنان اطاعت کنند. به همین جهت، همیشه درصدد بر هم زدن کلاس و اذیت کردن افراد همردیف خود هستند. و از آن جایی که در خانه جز جنگ و نزاع ندیده اند، همان روش را در مدرسه و کوچه با دانش آموزان به کار می گیرند و می خواهند عقده های حقارت و کمبود خود را به این نحو جبران نمایند؛

دوره هشتم، شماره نهم / ۴۹

لذا این افراد نه تنها مانع رشد خود هستند، بلکه جلوی رشد افراد زیادی را می گیرند و ممکن است دانش آموزی که بسیار در درسش جدّی بوده، بر اثر همنشینی با چنین فردی، به تنبلی و کسلی عادت کند؛ چنانکه اگر به مدارس ابتدایی و عالی سر بزنیم، با تجربه صحیح بر ما روشن خواهد شد که این افراد، کم نیستند.

وظیفه معلّم در برابر اینگونه افراد بسیار سنگین تر است و باید در برخورد با آنها صبر و بردباری بیشتری را به کار گیرد تا بتواند آنها را از روش غلط تربیتی که در خانواده پیدا کرده اند آزاد ساخته، با اخلاق مثبت خود آنها را به تربیت انسانی جذب نماید. معلّمین باید بدانند که اعمال زور و خشم و

غضب در مورد این افراد نه تنها مؤثر نیست و نقش مثبتی ندارد بلکه بر عقده های آنها خواهد افزود و آنانی که در خانه بی مهری دیده اند، چنانکه در مدرسه هم نظیر آن را مشاهده کنند افراد جانی و بزهکاری بار خواهند آمد و در آینده ای نه چندان دور، انتقام آن همه خشم و بی احترامی به شخصیت خویش را از جامعه خواهند گرفت. اگر در مدرسه این گونه افراد، درست تربیت نشوند، از قتل و غارت و خیانت، لذت خواهند برد.

امام صادق (علیه السلام) به ابن جنذب فرمود: «يَا بَنَ جُنْدَبٍ! لَا تَقُلْ الْمُدْنِبِينَ مِنْ أَهْلِ دَعْوَتِكُمْ إِلَّا خَيْرًا وَأَسْتَكِينُوا إِلَى اللَّهِ فِي تَوْفِيقِهِمْ وَاسْأَلُوا التَّوْبَةَ لَهُمْ!»؛

دوره هشتم، شماره نهم / ۵۱

ای پسر جنذب! به گناه کاران از اهل دعوت خود چیزی جز خیر مگو و از خداوند توفیق آنها و توبه کردنشان را درخواست کنید.

از مطالب مزبور به این نتیجه می‌رسیم که خانواده می‌تواند هم نقش مثبت و هم نقش منفی در مدرسه داشته باشد.

نقش مدرسه در خانواده

مدرسه - همچون خانواده - می‌تواند نقش مثبت و منفی در خانواده داشته باشد. چنانکه در ابتدای این مبحث بیان داشتیم.

اگر آموزشگاه از ارزش مثبت برخوردار باشد[به این معنا که آموزگاران و مربیان لایق و پاک به تعلیم و تربیت افراد مشغول بوده و دارای برنامه بسیار

سازنده ای باشند و...] کودکانی که پا به این محیط می گذارند، از تربیتی عالی و انسانی برخوردار خواهند گشت. کودکی که در خانواده عادت به رعایت نظم و انضباط نکرده و در انجام تکالیفش کسل و تنبل بوده، آنچنان تربیت خواهد شد که هرگونه خوی زشت را کنار گذاشته و دانش آموزی مرتّب خواهد گردید.

همان گونه که پدر و مادر موظفند فرزندشان را به رعایت نظم و ادب در محیط خانه بخوانند و نصیحت کنند، در مدرسه نیز باید دانش آموزان را به اطاعت از پدر و مادر دعوت کرد. از آنها باید خواست که احترام آنها را حفظ نموده و با وقار و آرامش با پدر و مادر سخن بگویند.

دوره هشتم، شماره نهم / ۵۳

برای این که مدرسه بتواند نقش مثبت خویش را در خانواده ایفا کند، توجّه به نکات ذیل ضروری است:

۱. محیط مدرسه و برنامه های آن، نباید متباین با محیط خانواده باشد، تا کودکی که از خانه پا به مدرسه می گذارد آن محیط را به کلی بیگانه نبیند.

۲. با دانش آموز طوری رفتار شود که وقتی از مدرسه به خانه باز می گردد، با نشاط کامل به خانه قدم بگذارد. و الا با اذیت پدر و مادر و بهانه گیری های پوچ، عقده های مدرسه را خواهد گشود.

۳. تشویق دانش آموزان به همکاری با پدر و مادر در کارهای لازم خانه، خود نوعی روحیه تعاون در آنها ایجاد خواهد کرد.

۴. معلّم وظیفه دارد از عظمت پدر و مادر سخن بگوید و آنها را - که انسانهای دلسوز نسبت به فرزندان خود هستند - معرفی نماید تا دانش آموزان با پی بردن به شخصیت پدر و مادر از احسان و احترام به آنها دریغ نکنند و از اطاعتشان، سر باز نزنند.

۵. یکی از راههایی که در تربیت متعلّم بسیار مؤثر است، فروتنی و نرم خوئی در برابر اوست. نفس انسانی در برابر تواضع و فروتنی اشخاص خاضع می گردد. معلّم اگر انحرافات از کودک دید، با تنبیه بدنی و با خشم و غضب و به طور مستقیم شخص منحرف را مخاطب قرار دادن، کاری از پیش نخواهد برد. چه بسا او را نسبت به انحرافش جری تر و بر

دوره هشتم، شماره نهم / ۵۵

بزهکاری اش مصرّ گرداند. اگر چه ممکن است سر کلاس یا در حیاط مدرسه به خاطر ترس از تنبیه بدنی ساکت و آرام باشد، ولی این نوع سکوت بر عقده های درونی اش افزوده و موجب می گردد که در خارج از مدرسه [مثلا در خانه] با ارتکاب اعمال ناشایست این عقده ها را از قلبش خالی کند. بنابراین، نرم خویی و تواضع و گفتن مطالب به کنایه و نصیحت کردن به طور غیر مستقیم می تواند شیوه درستی برای جلوگیری از انحراف بوده باشد تا بدین وسیله دانش آموز درک کند که نباید منحرف شود.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ثَلَاثَةٌ تُورَثُ الْمَحَبَّةَ: أَلَدَيْنُ وَ التَّوَاضُّعُ وَ الْبَدَلُ»^۱؛ سه چیز محبت را به ارث می گذارد: دین، فروتنی و بخشش.

حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «أَصْلِحِ الْمُسَىءَ بِحُسْنِ فِعَالِكَ وَ دَلَّ عَلَى الْخَيْرِ بِجَمِيلِ مَقَالِكَ»^۲؛ شخص خطاکار را با اعمال نیکت اصلاح گردان و با گفتار زیباییات او را به خیر راهنمایی کن.

۶. مراقبت های تربیتی صحیح که از جانب والدین در خانه صورت گرفته و عواطف و احساسات و روح مذهبی را در کودک پرورش داده، در مدرسه نیز باید ادامه یابد و مربیان و آموزگاران عزیز آن را دنبال کنند

۱. تحف العقول، ص ۳۲۸، روایت ۴.

۲. غررالحکم، ج ۱، فصل دوم، شماره ۸۱، ص ۱۱۱.

دوره هشتم، شماره نهم / ۵۷

و با برنامه ریزی عالی در رشد صحیح آن بکوشند. و هرگونه برنامه و عاملی را که موجب سوء خلق، بدرفتاری، عدم اطمینان خاطر، ترس و خشم بی جا می شود، از بین ببرند. در غیر این صورت، مدرسه نقش منفی نسبت به محیط خانواده خواهد داشت.

هماهنگی بین مدرسه و خانواده

محیط مدرسه و خانواده دو محیط جدا از هم بوده و از آن جا که خانواده ها متعدّد و مختلف هستند و هر کدام نوعی از برنامه تربیتی را در مورد فرزندان خود اعمال می کنند و بعضی نیز اصلاً توجه به تربیت آنها ندارند، برای این که روش تربیتی در مدرسه آسان صورت پذیرد و برنامه جامعی از طرف مربیان مدرسه تهیه شود، لازم است، هر چند وقت بین اولیای

کودکان و معلمان آنها نشستی انجام شود تا بین مدرسه و خانواده، هماهنگی جهت رشد و تعلیم و تربیت دانش آموزان برقرار شود.

و دیگر این که اولیای کودکان بدانند در محیط مدرسه فرزندانشان چه می‌گذرد؟ معلمان او چه اشخاصی هستند؟ با چه کسانی زمینه دوستی ریخته و ارتباط دارند؟ در مدرسه به او چه می‌آموزند؟ و به طور کلی از برنامه آموزشی و تربیتی او آگاه گردند. معلمان نیز بدانند که والدین چه برخوردی با فرزندانشان دارند؟ و نحوه تربیت او در خانه چگونه است؟ به عبارت دیگر، با روح و استعداد دانش آموز بیشتر آشنا شده و از کیفیت برنامه های تربیتی در

دوره هشتم، شماره نهم / ۵۹

خانواده ها مطلع گشته و برنامه مدرسه را با توجه به آن تنظیم نمایند.

توصیه به علم در اسلام

در این که در اسلام راجع به علم تأکید و توصیه شده و در کمتر موضوعی و شاید نسبت به هیچ موضوعی این قدر توصیه و تأکید نشده بحثی نیست . از قدیم ترین زمانی که کتب اسلامی تدوین شده در ردیف سایر دستورهای اسلامی، از قبیل نماز، روزه، حج، جهاد و امر به معروف و نهی از منکر، بابی هم تحت عنوان «باب وجوب طلب العلم» باز شده و علم به عنوان یکی از فرایض شناخته شده^۱.

۱ . رجوع شود به کتاب ده گفتار سخنرانی «فریضه علم».

گذشته از آیات قرآن کریم، مؤکدترین و صریح ترین توصیه های رسول خدا درباره علم است. این جمله از مسلمات همه مسلمانهاست که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود:

«طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»؛ (تعلّم و

دانشجویی بر هر مسلمانی فرض و واجب است). اختصاص به طبقه ای دون طبقه ای، به جنسی دون جنسی ندارد. هر کس مسلمان است باید دنبال علم برود.

و فرمود:

«أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ»؛ (علم را پی جویی کنید ولو مستلزم این باشد که تا چین سفر کنید).

دوره هشتم، شماره نهم / ۶۱

یعنی علم مکان معین ندارد؛ هر نقطه جهان که علم هست بروید و اقتباس کنید. باز فرمود:

«كَلِمَةُ الْحِكْمَةِ ضَالَّةٌ الْمُؤْمِنِ فَحَيْثُ وَجَدَهَا فَهُوَ أَحَقُّ بِهَا»^۱؛ (سخن علمی، حکیمانه و متقن، گمشده مؤمن است؛ هر جا آن را بیابد معطل نمی شود، آن را مال خودش می داند و بر می دارد).

یعنی اهمیت نمی دهد که طرف کیست، مسلمان است یا کافر. همان طوری که آدمی مال خود را گم کرده در دست هر کس ببیند معطل نمی شود و بر می دارد، مؤمن نیز علم را مال خود می داند، در دست هر کس ببیند آن را می گیرد. امیرالمؤمنین، علی (علیه السلام) همین کلمه را توضیح می دهد:

«الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ فَاطْلُبُوهَا وَ لَوْ عِنْدَ الْمُشْرِكِ
تَكُونُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا»^۱؛ (حکمت گمشده مؤمن
است، پس به دنبالش بروید ولو آن که آن را در نزد
مشرکان بیابید. شما از او شایسته تر و سزاوارتر
خواهید بود).

علم فریضه ای است که نه از لحاظ متعلم و نه از
لحاظ معلم و نه از لحاظ زمان و نه از لحاظ مکان
محدودیت ندارد، و این عالی ترین و بالاترین
توصیه ای است که می توانسته بشود و شده.^۲

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۷.

۲. بیست گفتار، استاد مطهری، صص ۲۵۶ - ۲۵۸.